

بررسی جایگاه شهر نهاد در سلسله مراتب شهری استان همدان

از: بهروز گودرزی

کارشناس ارشد رشته‌ی جغرافیا

مقدمه:

در چند دهه‌ی اخیر شهرها با سرعت زیادی گسترش یافته و توسعه‌ی فضایی یافته‌اند. این گسترش در مورد شهرهای جهان یکسان صورت نگرفته است. برخی به گونه‌ای ناباورانه با افزایش سریع جمعیت، رشدی فزاینده داشته و با جذب سرمایه‌های کلان، به قطب‌های بزرگ صنعتی تبدیل شده‌اند.

این پدیده در کشور ایران به‌خصوص در سه دهه‌ی اخیر موجب افزایش جمعیت شهری و رشد ناموزون بسیاری از شهرهای کشور شده و شبکه‌ی شهری را که در طول قرن‌ها متعادل بوده و با سرزمین پیرامون خود روابطی منطقی و متناسب با نیاز ساکنان برقرار نموده بود برهم زده و به صورت زنجیره‌ای کلیه‌ی شهرها را به «نخست شهر» که مرکز کشور است مرتبط نموده است.

بررسی جایگاه هر شهر در سلسله مراتب شهری کشور و یا استان، نشان دهنده‌ی سهمی است که از توزیع امکانات شهری در توزیع زنجیره‌ای کشور به دست می‌آید. قبل از بررسی این جایگاه، به منظور آشنایی بیش تر خوانندگان محترم، به طور اجمال پیشینه‌ی شهرنشینی در ایران

قبل از اسلام، بعد از اسلام و در دوران معاصر استان همدان، مورد بررسی قرار می‌گیرد. آن‌گاه به تفصیل به شهر نهاوند خواهیم پرداخت. ضمناً در این جا به بیان مختصات جغرافیایی شهر نهاوند به دلیل آن‌که در شماره‌های قبل این فصل نامه به‌طور مفصل آمده نمی‌پردازیم.

پیشینه‌ی تاریخی شهرنشینی در ایران

قدیمی‌ترین مردمی که در ایران به تمدن شهرنشینی رسیده‌اند عیلامیان بوده‌اند. آنان از آغاز در اطراف شهر شوش بساط شهرنشینی و کشاورزی را گسترده‌تر کردند^(۱) و شهرهای مهم آن‌ها عبارت بودند از شوش، اهواز قدیم، ماداکتو و خثیدلو و سرزمین آنان را نیز که شامل خوزستان کنونی می‌شده به نام «انزان» یا «انشان» می‌خوانده‌اند.

طبق حفاری‌های به عمل آمده در دوره‌های قبل از حکومت عیلامیان نیز آثار و علائم تمدن و شهرنشینی در سیالک (سیلک) کاشان، اطراف ری، دامغان، نهاوند، جنوب ارومیه، مازندران، گیلان و سیستان (شهر سوخته) به ثبت رسیده است. بدین طریق تقریباً از هفت هزار سال پیش از میلاد و قبل از آمدن آریایی‌ها به ایران مردمانی به دوره‌ی کشاورزی و مرحله‌ی شهرنشینی رسیده‌اند که از نژاد بومی همان جا بودند.^(۲)

آمدن آریایی‌ها به ایران که از دو هزار سال قبل از میلاد شروع می‌شود و تا قرن ششم ادامه می‌یابد و استقرار آن‌ها در دامنه‌های سلسله جبال زاگرس که همزمان با افول تمدن بین‌النهرین در پی ستیز «دولت شهر»های آن خطه صورت می‌گیرد، این اقوام را با گونه‌ای دیگر از شکل جدید جامعه آشنا می‌کند. شکلی که در دشت‌های هموار غرب رشته کوه‌های زاگرس وجود داشته، جامعه‌ی شهرنشینی است.

آمدن آریایی‌ها به ایران را مبدأ تحولات شهری ایران گفته‌اند. قومی که با پراکندگی در نقاط مختلف، شهر همدان یا هگمتانه یا اکباتان را به عنوان پایتخت خود انتخاب کردند. دوره‌ی مادها در واقع دوره‌ی آغازینی است که در آن شهرنشینی شکل می‌گیرد. در این دوره شهرها

۱- از شار تا شهر، سیدمحسن حبیبی، دانشگاه تهران، چاپ اول ۱۳۷۵

۲- برنامه‌ریزی شهرهای جدید، کرامت‌الله زیاری، انتشارات سمت، چاپ اول ۱۳۷۸

بیش تر جنبه‌ی نظامی دارند و از یک چهار ضلعی بر مبنای چهار جهت اصلی تشکیل شده‌اند. پس از مادها، که حکومت به هخامنشیان می‌رسد، مکان‌های شهری گسترش می‌یابد و تعداد آن‌ها زیاد می‌شود. به عبارت دیگر این دوره، دوره‌ی توسعه و تحول شهرنشینی است. در این عصر شهرها در مسیر راه‌های تجارتهی غرب به شرق قرار می‌گیرند و این موضوع موجب افزایش چشم‌گیر مکان‌های شهری می‌گردد.

دوره‌ی سلوکی را می‌توان زمان اختلاط و آمیزش نظام شهری و پذیرش فرهنگ شهرنشینی برون‌زادانست. با حمله‌ی اسکندر حکومت جانشینان وی در ایران آغاز می‌شود، و این حکومت خود موجب سلطه‌ی فرهنگ بیگانه بر جامعه‌ی ایلی ایران می‌گردد. ایجاد دولت - شهرها در ایران به تبعیت از الگوی شهرنشینی مدیترانه آغاز می‌شود و مقدمات عمومیت یافتن شهرنشینی فراهم می‌گردد.

در این دوره شهرهایی که در اطراف کاخ‌های شاهان دایره‌وار گسترش یافته‌اند به وجود می‌آیند و با ظهور دین زرتشت بسط بیش تری می‌یابند. دوره‌ی ساسانی عصر بالندگی کیفی و کمی شهرهاست. در این زمان شهرها تشکیلات سیاسی - اجتماعی می‌یابند. از ویژگی‌های این دوران تمایز فضایی شهر با فضای بیرونی و تمایز اجتماعی در داخل شهر است. تمایزاتی که در نهایت منجر به از بین رفتن تمدن دوره‌ی ساسانی و بسط و نفوذ دین حنیف اسلام در ایران می‌گردد.

شهرنشینی در ایران پس از اسلام
 با فتح ایران توسط مسلمانان در سال ۶۵۰ میلادی و آمدن اسلام، برج و باروها و قلعه‌ها و کاخ‌ها فرومی‌ریزند. مساجد در کنار شهرها احداث می‌گردند و کم‌کم شهرهای جدیدی رونق می‌گیرند. مردم با ترک شهرهای قدیم در کانون‌های جدید مستقر می‌گردند. با گسترش اسلام اختلافات طبقاتی از بین می‌رود و تساوی و برابری جای آنرا می‌گیرد. عناصر شهری تغییر می‌کند و مظاهر شهرهای اسلامی در شهرهای ایران ایجاد می‌شود. مسجد، دارالخلافه، بازار، مدرسه و محله عناصر اصلی شهرهای جدید می‌شود. از این پس وجه تمایز شهر و روستا مسجد جامع است که در هر شهر یکی بنا می‌گردد.

قرون سوم و چهارم به دلیل رونق تجارت، تشکیل حکومت‌های محلی و دست‌رسی به راه‌های ارتباطی، شهرها رونق چشم‌گیری می‌یابند. به‌خصوص در قرن چهارم هجری که یکی از مهم‌ترین مقاطع شهرنشینی و شهرگرایی کشور بوده است. شهرهای بزرگی مانند سیراف، اصفهان، نیشابور، طوس و جرجان شکل می‌گیرند که با شهرهای بین‌النهرین رقابت می‌کردند.^(۱)

تشکیل حکومت سلجوقی نقطه‌ی عطفی در نظام شهری ایران بعد از اسلام است. سلجوقیان از اقوام ترک آسیای مرکزی بودند که به ایران آمده و با استفاده از ضعف حکومت‌های محلی و خلفا، دولت بزرگی در ایران تشکیل دادند. ظهور دولت سلجوقی موجبات سلطه‌ی طوایف را بر شهرها فراهم می‌کند و مجدداً امتیازات قومی جای‌گزین امتیازات مذهبی می‌شود و شهر بر روستا برتری می‌یابد.

این دوره به تعبیری عصر شکل‌گیری زمین‌داری بزرگ و تشدید و تحکیم نظام تیول‌داری است. یورش مغول در قرن هفتم هجری نقطه‌ی پایانی بر تحولات شهرنشینی ایران آن روزگار است. مغول بنیان‌های سازمان شهری کشور را از هم می‌گسلد و شهرگرایی را نزدیک به یک قرن بی‌معنا می‌سازد و متأسفانه حمله و هجوم یورشگران به شهر و دفاع مدافعین از شهر عملاً به ویرانی کلیه‌ی شهرهای بزرگ و عمده‌ای چون مرو، بخارا، سمرقند، نیشابور، ری و... می‌انجامد. اقدامات بعدی حاکمان مغول که تحت تأثیر پذیرش دین و فرهنگ سرزمین مغلوب صورت می‌گیرد آن‌چنان پراکنده است که تأثیر چندانی در حل مشکلات شهرنشینی ایران به جای نمی‌گذارد.

پس از ایلغار مغول و به دنبال شورش‌های پیاپی اواخر حکومت ایلخانان، حمله‌ی تیمور گورکانی سبب خرابی و سقوط مجدد تعدادی از شهرها و آبادی‌های کشور می‌گردد. این یورش که سراسر قرن‌های هشتم و نهم هجری را شامل می‌شود به بهای ویران شدن شهرهای ایران و بیش‌تر رونق یافتن سمرقند می‌انجامد. پس از تیموریان صفویه توانست با تکیه بر مذهب شیعه و پایگاه‌های اجتماعی بسیار عظیمی که در بین طبقات محروم جامعه و ایلات ترک‌تبار داشت

متمركز ترين حكومت ايراني بعد از سلسله ساساني را به وجود آورد.

حكومت صفويان در حقيقت آغازگر زندگي پيشرفته‌ي شهري و بنيان‌گذار فرهنگ شهري نشيني ماندگار در ايران است. دولت صفوي سازمان‌دهي، راه‌اندازي و ايجاد تاسيسات زيرساختي را در شهرها عمدتاً به عهده مي‌گيرد. بازسازي جاده‌هاي بين قاره‌اي ابريشم و ادويه، شبكه‌هاي عظيم قنات و كاريز براي آبياري نقاط موردنظر، ساختن كاروانسراها و آب‌انبارهاي بين جاده‌اي، ايجاد نقاط و كانون‌هاي زبستي جديد در نقاط پراهميت و يا در كناره‌هاي خليج فارس و دريای خزر و رودهاي كشور همگي حكاييت از نقش آن حكومت در رونق شهري نشيني دارند. بدين ترتيب رونق اقتصادي و تمهيدات لازم امنيتي شهري نشيني و شهرسازي را به نقطه اوج خود رسانيد. تا جايي كه ميراث فرهنگي شهري امروز شهرهاي ايران در اكثر موارد يادگاري از دوران صفويه در كالبء و چهره خود دارند.^(۱)

پس از دوره‌ي صفويه به دليل ضعف حكومت‌هاي مركزي و درگيري حكام، شهري نشيني توسعه‌ي چنداني نيافت. حكومت نادرشاه و كريم‌خان زند به دليل درگيري‌هاي خارجي و كشمكش‌هاي داخلي و كوتاهي مدت حكومت، فرصت مغتنمي براي بالندگي شهري در ايران ايجاد نكرد.

حكومت قاجار گرچه به تقليد از صفويه به ابنیه‌سازي در بعضي از نقاط كشور پرداخت اما ضعف حكام و رقابت‌هاي دول خارجي و جنگ‌هاي مستمر، بنیه اقتصادي كشور را ضعيف نموده و شهرها را دچار فقر و فاقه ساخت. دخالت دولت‌هاي خارجي در امور داخلي، مشكلات و موانع اقتصادي، آشنائي با فرهنگ غربي، تغييرات بنيادي در فرهنگ جامعه‌ي ايران و نظام شهري مسائلي بود كه وضعيت جديد ايجاد كرده بود. هجوم محصولات صنعتي و كالاهاي خارجي به بازارهاي داخلي و عدم امكان رقابت با آن‌ها انحطاط صنايع بومي را موجب گرديد و فعاليت‌هاي صنعتي و توليدي در شهرها رو به كاهش گذارد و قشرهاي جديدي از كسبه و بازرگانان در شهرها به وجود آمدند. با اين همه تا پيش از سال ۱۳۰۰ هـ.ش، كشور از نظام شهري و

شهرنشینی مطلوبی برخوردار بوده است.^(۱)

شهرنشینی در دوران معاصر

شهرنشینی از میان تحولاتی که در دو دهه‌ی اخیر در ایران روی داده است پوشی برجسته‌تر و نمایان‌تر داشته است. در دو دهه‌ی اخیر «شهر» در ایران به محور زندگی اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده است.^(۲) لیکن زمینه‌های این رشد از دهه‌های قبل فراهم شده بود و به طور دقیق‌تر می‌توان گفت که از دهه‌ی ۱۲۰۰ ه.ش به بعد در تحقق روابط سرمایه‌داری جایگاه جدیدی یافته است. مستندترین سند، جمعیت شهری ایران را در سال ۱۲۷۹ شمسی ۲۰۳۳۰۰۰ نفر برآورد کرده که در ۹۹ شهر با ضریب شهرنشینی ۶/۲۰ درصد زندگی می‌کرده‌اند، که به شرح جدول ذیل در تعداد شهرهای ایران در سال ۱۲۷۹ و جمعیت آن‌ها (ارقام به هزار نفر)

تعداد شهرها	۱	۳	۷	۱۴	۳۳	۴۲
جمعیت	۵۰۰	۱۰۰-۵۰۰	۵۰-۱۰۰	۲۰-۵۰	۱۰-۲۰	۵-۱۰

جدول شماره ۱

نقاط مختلف کشور پراکنده شده‌اند.

بر اساس آمار جدول شماره ۱ بیش‌ترین تعداد شهرها در طبقه‌ی شهرهای کوچک قرار داشته است. لذا در سلسله مراتب شهری تعادل نسبی برقرار بوده و تعادل در شبکه و نظام شهری وجود داشته و هیچ شهری بر دیگری برتری نداشته است. در این دوره شبکه‌ی شهری کشور کهکشانی است. یعنی هر شهر مسئول خدمات رسانی و برقراری ارتباط با روستاهای تحت نفوذ خویش بوده و توسعه‌ی درون‌زا و پایداری شهری نیز وجود داشته است.

برابر سرشماری ۱۳۳۵ جمعیت شهرنشین کشور با ضریب شهرنشینی ۴/۳۱ درصد به ۵ میلیون و ۹۹۷ هزار نفر بالغ شد که در ۱۹۹ شهر اسکان یافته‌اند. در این دوره تعداد شهرهای بالای یکصد هزار نفر جمعیت به ۹ شهر رسید و تنها شهر نیم میلیون نفری تهران بوده که به عنوان

۱- برنامه ریزی شهرهای جدید، کرامت‌الله زیاری ص ۷۸

۲- شهرنشینی در ایران، فرخ حسامیان و دیگران، ص ۲۰

«شهر مسلط» در کشور عمل می‌کرده است.

در سرشماری‌های بعدی جمعیت شهرنشین کشور افزایش می‌یابد. در آخرین سرشماری در سال ۱۳۷۵ جمعیت شهرنشن کشور به ۲۶ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر و تعداد شهرها به ۹۱۴ شهر و ضریب شهرنشینی به $۶۱/۳$ درصد و متوسط رشد سالیانه به $۳/۱۷$ درصد می‌رسد. در نتیجه پدیده‌ی جدید و تأثیرگذار مهاجرت، تعداد جمعیت، اندازه و کالبد شهرهای بزرگ را افزایش می‌دهد و تورم جمعیت روستا-شهرها به افزایش تعداد شهرهای کوچک کشور منجر می‌گردد. شهرنشینی در استان همدان

براساس سرشماری سال ۱۳۳۵ استان همدان دارای ۹ شهر با جمعیت شهری معادل ۱۸۳۱۵۹ نفر بوده است. در این سرشماری شهر همدان به عنوان شهر اول یا متروپلیتن منطقه ۵۴/۵ درصد از کل جمعیت شهری استان را در خود جای داده است.

سرشماری دوره بعدی که در سال ۱۳۴۵ انجام گرفت جمعیت شهری استان را ۲۰۳۸۲۳ نفر و جمعیت شهر اول (همدان) را $۵۳/۷$ درصد کل جمعیت نشان داد و تعداد شهرها در این دوره به ۱۰ رسید.

در سر شماری ۱۳۵۵ جمعیت شهری استان با یک افزایش ۱۱۰ هزار نفری نسبت به دوره‌ی قبل روبه‌رو شد و به ۳۱۹۷۱۰ نفر در قالب ۱۱ شهر بالغ گردید. رشد جمعیت شهری استان در سرشماری ۱۳۶۵ افزایش بیش‌تری یافت و به ۵۶۱۴۴۹ نفر در ۱۲ شهر بالغ شد. در آخرین سرشماری که در سال ۱۳۷۵ انجام گرفت جمعیت شهری استان به ۷۹۹۳۳۸ نفر و تعداد شهرها به ۱۶ شهر ارتقا یافت.

بررسی جمعیت شهری استان در یک دوره‌ی ۴۰ ساله نشان از $۴/۵$ برابر شدن آن دارد و تفاوت عمده‌ای که سر شماری دوره‌ی آخر با دوره‌های اول و دوم دارد افزایش تعداد شهرهای کوچک است که عمدتاً به دلیل الزامات اداری به شهر تبدیل شده‌اند.

ویژگی مهم دیگر شهرنشینی استان همدان وجود شهر همدان به عنوان «تخت‌شهر» استان در طی پنج دوره‌ی سرشماری است. زیرا این شهر به تنهایی نیمی از جمعیت شهرنشین استان را در خود جای داده است. ویژگی دیگر افزایش فاصله‌ی جمعیتی بین دو شهر ملایر و نهاوند و

کاهش سهم جمعیتی شهر نهاوند از کل جمعیت شهرنشین استان است. (به جدول شماره ۲ مراجعه کنید.)

سهم جمعیتی سه شهر بزرگ استان از کل جمعیت شهری آن

دوره سرشماری	جمعیت شهری استان	تعداد شهر	درصد جمعیت شهر اول از کل (همدان)	درصد جمعیت شهر دوم از کل (ملایر)	درصد جمعیت شهر سوم از کل (نهاوند)
۱۳۳۵	۱۸۳۱۵۹	۹	۵۴/۵۴	۱۱/۵۲	۱۱/۴۵
۱۳۴۵	۲۰۳۸۲۳	۱۰	۵۳/۷۹	۱۲/۳۱	۱۰/۳۶
۱۳۵۵	۳۱۹۷۱۰	۱۱	۵۱/۵۸	۱۴/۷۳	۹/۲۲
۱۳۶۵	۵۶۱۴۴۹	۱۲	۴۸/۳۶	۱۸/۴۵	۹/۲۷
۱۳۷۵	۷۹۹۳۳۸	۱۶	۴۹/۴۳	۱۷/۹۰	۸/۰۵

جدول شماره ۲

جایگاه شهر نهاوند در سلسله مراتب شهری استان همدان

تعیین جایگاه شهر نهاوند در استان همدان بیانگر نقش و اهمیت آن در جذب و توزیع خدمات و امکانات شهری است. بدین لحاظ به بررسی شهرهای استان و مقایسه‌ی آنها با هم به منظور نشان دادن جایگاه شهر نهاوند که به یک طبقه‌بندی منتهی می‌گردد می‌پردازیم.

توزیع فضایی شهرهای استان که به تبع شرایط جغرافیایی نظم فضایی خاصی یافته‌اند شبکه‌ی شهری استان را رقم زده است. در این نظم فضایی، شهرها می‌توانند از نظر کمی (جمعیت) و یا از نظر کیفی (اهمیت و نقش آنها) طبقه‌بندی شوند و در نظمی از یک پایه، ارتفاع، در ردیف یا مرتبه‌ای پشت سر هم قرار گیرند که اصطلاحاً «سلسله مراتب شهری» نامیده می‌شود.

بررسی سلسله مراتب شهری استان همدان در این مقاله با توجه به سرشماری سال ۱۳۷۵ و

بر مبنای کمی صورت پذیرفته است. بدیهی است این طبقه بندی به طور طبیعی چگونگی توزیع امکانات شهری و توان جذب جمعیتی شهر را نیز نشان می دهد. یعنی شهری که بیشترین جمعیت را به خود اختصاص داده به طور قهری امکانات بیش تری از سرمایه های استان را نیز جذب نموده و جذب امکانات موجب کشش جمعیت بیش تر شده است. بنابراین افزایش جمعیت به خودی خود امکانات افزون تری را به دنبال دارد.

توضیح این که در سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ استان همدان دارای ۱۶ نقطه ی شهری با جمعیت ۷۹۹۳۳۸ نفر بوده است. از مجموع ۱۶ شهر، تنها دو شهر با جمعیت بیش از یکصد هزار نفر وجود داشته است. مقایسه ی آماری بین جمعیت شهرهای استان حاکی از تجمع بیش از ۴۹ درصد جمعیت در شهر همدان و ۵۱ درصد در ۱۵ شهر دیگر است. به بیان دیگر یعنی جذب ۴۹ درصد امکانات شهری استان در شهر همدان، که بزرگی بیش تر آن، جذب حجم وسیع تری از امکانات را نیز به دنبال خواهد داشت، دومین شهر استان یعنی شهر ملایر با جمعیت ۱۴۳۰۸۳ نفر، ۱۸ درصد جمعیت شهری استان نشان داده است و شهر نهاوند به عنوان سومین شهر استان فقط ۸ درصد از جمعیت شهری استان را در بر گرفته است. وجود ۱۰ شهر با جمعیتی کم تر از ۲۰ هزار نفر و تمرکز بیش از ۹۰ درصد جمعیت شهری تنها در ۶ شهر حاکی از عدم تعادل شبکه ی شهری استان است. موضوعی که موجب «بزرگ سری» یا «نخست شهری» در استان شده است.

رشد شهرهای همدان، ملایر، نهاوند، اسدآباد و تویسرکان توجیه اقتصادی دارد. لکن تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک مدیون الزامات اداری است. شهر نهاوند هر چند سومین شهر استان است، لکن تناسبی بین اندازه ی واقعی آن با شهرهای اول و دوم (همدان و ملایر) وجود ندارد.

بر اساس قاعده ی «رتبه ی اندازه» که در سال ۱۹۴۹ توسط ژرژ کینگسلی زیپف به طور کامل فرمول بندی و مورد عمل واقع شده و به صورت قاعده ی $p_n = p_1 (w)^{-1}$ یا $p_n = p_1 * \frac{1}{n}$ یا به طور ساده تر $p_1 = p_2 * 2 = \dots = p_n * n$ معرفی شده که در آن p_1 جمعیت شهر اول و p_2 جمعیت شهر دوم و بالاخره p_n جمعیت آخرین شهر در قلمرو جغرافیایی مورد نظر است و در

آن اعداد ۱ و ۲ و ۳ و ... و ۸ ردیف و مرتبه شهرهای مذکور را تعیین می‌کند.

به طور مثال جمعیت دومین شهر با تقسیم جمعیت اولین شهر بر عدد ۲ و پنجمین شهر با تقسیم جمعیت شهر اول بر عدد ۵ به طور تئوریک حاصل می‌شود. بر اساس این قاعده می‌بایست یک نظم سلسله مراتبی بین شهرهای یک شبکه برقرار باشد و منحنی رتبه و اندازه‌ی شهرها به منحنی تعادل *Best fit* - بهترین تناسب - (نمودار شماره‌ی ۱) نزدیک گردد، تا بتوان شبکه‌ی شهری را متعادل و به تبع آن توزیع امکانات را نیز به عدالت و تساوی نزدیک دانست. حال آن‌که طی دو سرشماری (اولین ۱۳۳۵ و آخرین ۱۳۷۵) تغییرات منحنی بیانگر دور شدن شبکه‌ی شهری از تعادل است.

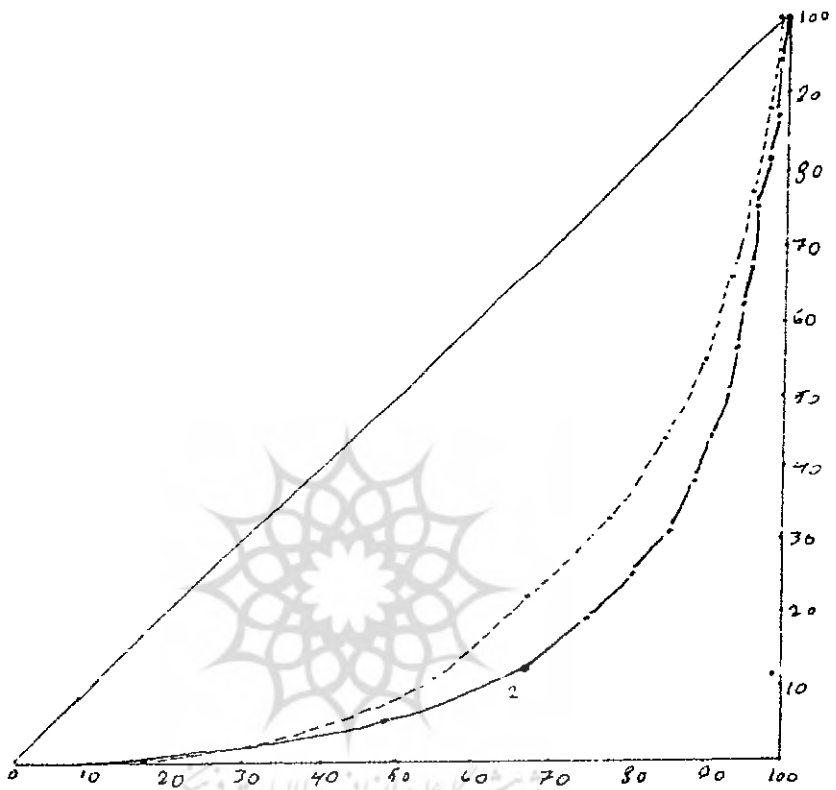
این موضوع در سرشماری آینده (۱۳۸۵) ممکن است صورت حادثی به خود گیرد. یعنی با گذشت زمان به جای کم شدن فاصله‌ی جمعیتی شهرها از هم این فاصله باز هم بیش تر و بیش تر گردد. بر همین روال شهر نهاوند به عنوان سومین شهر استان می‌بایست $\frac{1}{2}$ جمعیت شهر اول (همدان) یعنی جمعیتی معادل ۱۳۱۷۱۳ نفر را در خود جای داده باشد. حال آن‌که جمعیت فعلی آن ۶۴۴۱۱ نفر یعنی کم تر از $\frac{1}{2}$ جمعیت شهر اول است. این امر ناشی از نفوذ یا پولوریزاسیون قوی شهر اول (همدان) است.

ایجاد تعادل در نظام شهری استان ضمن آن‌که تابعی از تعادل بخشی در کل نظام شهری کشور است، مستلزم توزیع متناسب امکانات و تدوین سیاست‌های ویژه‌ی توسعه‌ی شهرهای کوچک و متوسط است. جدول شماره‌ی ۳ جمعیت واقعی و تئوریک شهرهای استان را نشان می‌دهد. مقایسه‌ی جدول، نامتناسب بودن رشد شبکه‌ی شهری استان را روشن می‌کند. هم‌چنین نمودار شماره‌ی ۲ تغییرات رتبه و اندازه‌ی شهرهای استان را در طی دوره‌های مختلف سرشماری نشان می‌دهد. هر چند جایگاه شهر نهاوند در طی سرشماری‌های متفاوت تغییر نکرده است. لکن اختلاف شهر نهاوند با شهر ملایر که دومین شهر استان است طی دوره‌های سرشماری افزایش یافته و شهر مذکور به جایگاه واقعی خود نزدیک تر شده است و شهر نهاوند با از دست دادن جمعیت شهری و یا عدم جذب جمعیت مورد نیاز، از شهر ملایر فاصله بیش تری گرفته است و این موضوعی است که دلسوزان رشد و توسعه‌ی شهر نهاوند را می‌بایست به تفکر وادارد.

- ۱- حبیبی، سید محسن از شار تا شهر، دانشگاه تهران، چاپ اول ۱۳۷۵
- ۲- زیاری، کرامت ا...: برنامه ریزی شهرهای جدید، انتشارات سمت، چاپ اول ۱۳۷۵
- ۳- مرکز آمار ایران: سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۳۵، شهرستان‌های استان همدان
- ۴- مرکز آمار ایران: سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۴۵، شهرستان‌های استان همدان
- ۵- مرکز آمار ایران: سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۵۵، شهرستان‌های استان همدان
- ۶- مرکز آمار ایران: سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵، شهرستان‌های استان همدان
- ۷- مرکز آمار ایران: سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، شهرستان‌های استان همدان
- ۸- نظریان، اصغر: جغرافیای شهری ایران، چاپ سوم، دانشگاه پیام نور ۱۳۷۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروژه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

نمودار شماره ۱

تغییرات جمعیتی شهرهای استان در مقایسه با منحنی BestFit

۱- منحنی اندازه‌ی شهرها در سال ۱۳۳۵

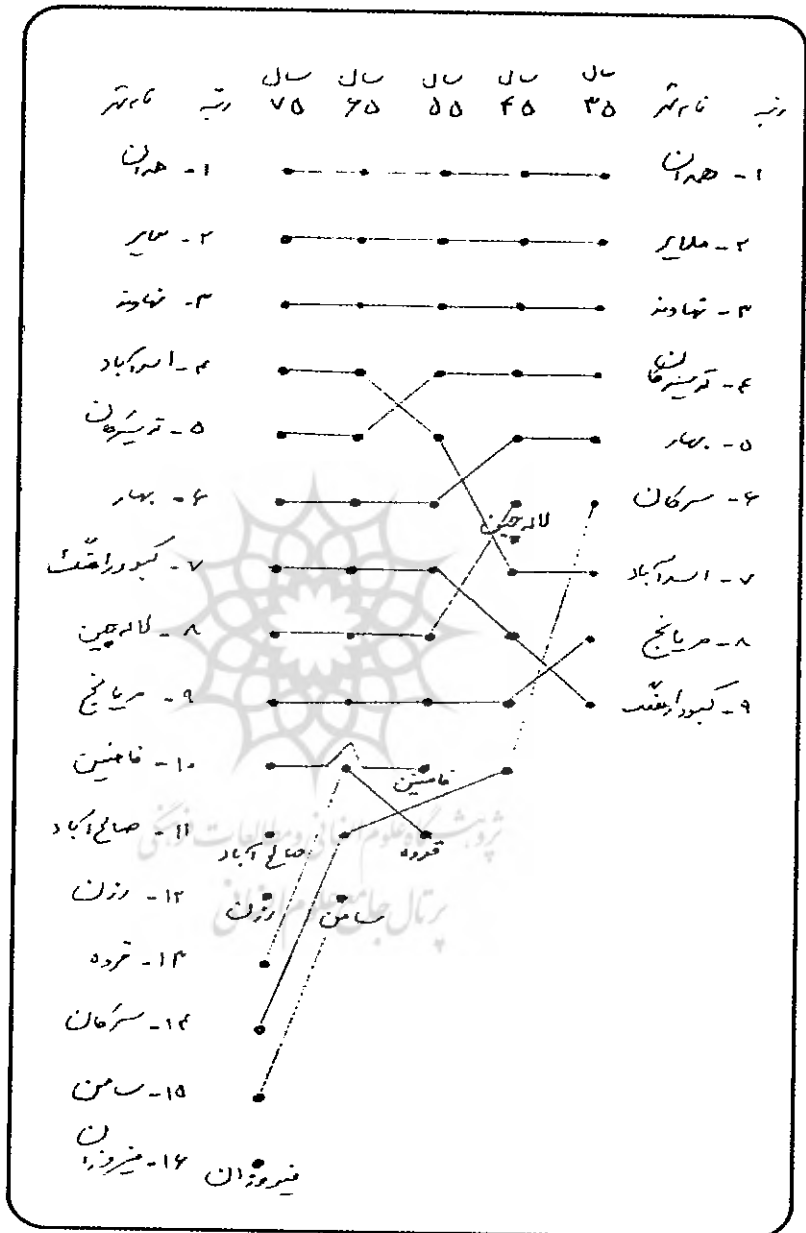
۲- منحنی اندازه‌ی شهرها در سال ۱۳۷۵

برآورد جمعیت شهرهای استان براساس قاعده رتبه - اندازه

رتبه	نام شهر	جمعیتی واقعی بر مبنای سرشماری ۷۵ (۱)	جمعیت تئوری براساس فرمول
۱	همدان	۳۹۵۱۴۱	-
۲	ملایر	۱۴۳۰۸۳	۱۹۷۵۷۰
۳	نهاوند	۶۴۴۱۱	۱۳۱۷۱۳
۴	اسدآباد	۴۸۱۴۵	۸۹۷۸۵
۵	تویسرکان	۳۷۴۶۰	۷۹۰۲۸
۶	بهار	۲۵۸۰۳	۶۵۸۵۶
۷	کبودرآهنگ	۱۷۲۹۵	۵۶۴۴۸
۸	لاله جین	۱۳۹۱۰	۴۹۳۹۲
۹	مریانج	۹۳۹۳	۴۳۹۰۴
۱۰	فامنین	۸۵۱۶	۳۹۵۱۴
۱۱	صالح آباد	۸۱۸۲	۳۵۹۲۱
۱۲	رزن	۸۰۰۳	۳۲۹۲۸
۱۳	قروه	۷۷۲۵	۳۰۳۹۵
۱۴	سرکان	۵۴۰۶	۲۸۲۲۴
۱۵	سامن	۴۵۸۰	۲۶۳۴۲
۱۶	فیروزان	۲۲۸۵	۲۴۶۹۶

«جدول شماره ی ۳»

(۱) مأخذ آمار و نفر مسکن شهرهای همدان، ملایر، نهاوند، اسدآباد، بهار، تویسرکان، رزن، سازمان برنامه و بودجه سال ۱۳۷۵



تغییرات رتبه و اندازه شهرهای استان همدان در طی دوره های مختلف سرشماری ((نمودار شماره ی دو))